

تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام (۲)

فریان جمالی

کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

راهکارهای تدبیر معیشت

در مقاله شماره گذشته راهبردهای تدبیر معیشت مورد بررسی قرار گرفت. مقاله حاضر در جهت اجرایی و عملیاتی کردن آن سیاست‌های راهبردی، تحت عنوان راهکارهای تدبیر معیشت در سه محور درآمد، مصرف و پس‌انداز بحث را پی می‌گیرد.

۱. درآمد

درآمد، عبارت از کلیه وجوه و ارزش کالاهایی است که در دوره زمانی معینی به یک فرد، گروهی از افراد، یک بنگاه یا یک اقتصاد تعلق می‌گیرد. درآمد ممکن است از محل عرضه عوامل تولید سرچشمه گرفته باشد مانند دستمزد، سود و اجاره و یا حاصل دریافت یک هدیه و بهره‌مندی از یک پرداخت انتقالی باشد.^۱

درآمد از مفاهیم بسیار مهم در علم اقتصاد به شمار می‌رود و در انتخاب الگوی مصرف، به عنوان عامل محدودکننده دخالت دارد بدین معنی که مصرف‌کننده نمی‌تواند مصرفی بیش از میزان کل درآمد خود داشته باشد. تدبیر معیشت اقتضا می‌کند که شخص درآمد ثابت خود را چنان به مصرف کالاها اختصاص دهد که بیشترین مطلوبیت را به دست آورد. اقتضای بحث درآمد در حوزه اسلام می‌طلبد که فرد مسلمان دقت نماید که درآمد خود را از چه راهی به دست می‌آورد و چگونه و در چه راهی مصرف می‌کند.

درآمدها به حسب مقدار، در زمان‌های گوناگون و مناطق مختلف، تفاوت اساسی دارند. از این جهت در اقتصاد اسلامی از لحاظ کمیت، حد معینی برای درآمد مشخص نگردیده؛ زیرا فردی که در جامعه صدر اسلام فعالیت اقتصادی می‌کرده است از نظر درآمد و هزینه زندگی،

با مسلمانی که در زمان حاضر تلاش اقتصادی دارد، قابل مقایسه نیست و در نتیجه امکان ندارد که یک اندازه ثابت کمی و یکسان برای درآمد هر دو در نظر گرفت، اما آنچه کارایی و امکان اجرا در کلیه زمان‌ها و جوامع مختلف را دارد، درآمد از نظر کیفی است. از این رو، هر نظامی می‌تواند درآمد را براساس مقیاس کیفی و ارزشهای مورد نظر خود، تحدید نماید. در این راستا، نظام اقتصاد اسلامی نیز درآمد را به طور کیفی محدود کرده، و در سایه این محدودیت طبعاً، کمیت و مقدار درآمد نیز کنترل شده است. البته این تحدید و تأثیرگذاری چنان نیست که افراد را از جهت تلاش و فعالیت اقتصادی بی‌انگیزه کند و یا اینکه افراد نتوانند زمینه ظلم و محرومیت را در جامعه از بین ببرند.^۲

توضیح بیشتر آنکه، قوانین و تعالیم ارزشمند اسلام حق انسان را در خواستن و به دست آوردن متاع زندگی پذیرفته و او را در روشهای کسب روزی و لوازم زندگی آزاد می‌داند ولی هرگز اجازه نمی‌دهد که انسان در شیوه‌های کسب، راهی را در پیش گیرد که منجر به فساد اخلاق و سقوط انسان شود یا سبب ضرر رساندن به مدنیت و تمدن انسانی گردد. قانون اسلام نه تنها تمام منکرات و فواحش، بلکه همه راههایی را که به آنها منجر می‌شود، تحریم می‌کند یعنی تولید و به وجود آوردن، واسطه شدن، خرید و فروش، استعمال و اقدام به آنها را به هر نحوی که باشد، حرام می‌شمارد.

در احادیث اسلامی به صورت کلی، مجموعه شیوه‌های مجاز و غیر مجاز مبادلات و مسائل مالی بیان شده است. خرید و فروش، نگهداری، عاریه دادن و تمام تصرفات در چیزهایی که علتی از علل فساد در آن باشد و همینطور وسایل لَهو و هر چه از آن در شرع نهی شده است یا در جهت امور باطل قرار دارد یا موجب سستی حق گردد، حرام است.^۳

در قرآن کریم از شیوه‌های نامشروع چون «اَکْل مال به باطل»، «ربا»، «ظلم»، «فساد»، و انواع راههای نادرست درآمد سخن رفته و از آنها نهی شده است.

در روایات اسلامی، شیوه‌های درآمد حرام و جمع‌آوری ثروت‌های نامشروع از گناهان کبیره شمرده شده است، و برخی از شیوه‌ها چون کم‌فروشی، اسراف، تبذیر (ریخت و پاش)، خیانت و ربا همسان بدترین گناهان چون آدم‌کشی یاد شده است یعنی به وسیله این شیوه‌ها، رگ حیات اقتصادی انسان بریده می‌شود و او را به مرگ تدریجی می‌کشاند.^۴

غالباً کسانی که از مال حرام پرهیز نمی‌کنند گمان می‌کنند که اگر از این مال صرف‌نظر کنند امر معاش آنها مختل می‌شود و خود را سخت محتاج و گرفتار می‌بینند، در حالی که این

گمانی است نفسانی و وسوسه‌ای است شیطانی، و خلاف صریح وعده‌های خداوند در قرآن کریم و روایات فراوانی است که از معصومین (ع) رسیده است؛ چراکه خداوند رزق هر مخلوقی را از طریق حلال ضمانت کرده است. پس اگر عجله نکند و صبر و قناعت را پیشه سازد، رزق مقدرش قطعاً به او خواهد رسید.

بلی‌گاه می‌شود انسان به سوء اختیار خود از طریق حرام امرار معاش می‌کند و خودش را از رزق حلالی که خداوند مقدرش فرموده، محروم می‌سازد. پیامبر اعظم (ص) در این زمینه در حجة‌الوداع فرمود:

بدانید که جبرئیل به قلب من الهام کرد که هیچ کس نمی‌میرد مگر وقتی که تمام رزق مقدرش به او رسیده باشد، پس از خدا بترسید و در طلب روزی حریص نباشید و طول کشیدن رزق حلالتان، شما را واندارد که عجله کنید و رزق خود را از راه حرام بخواهید. جز این نیست که خداوند رزق حلال را بین مخلوقاتش تقسیم نموده و رزق حرام قسمت نکرده است. پس کسی که از خدا بترسد و صبر کند رزق حلالش که مقدر است به او خواهد رسید و کسی که شتاب کرده آن را از طریق حرام کسب کند، از رزق حلال مقدرش محروم گردیده و نسبت به آنچه کسب کرده در قیامت مؤاخذه خواهد شد.^۵

۱-۱. سالم‌سازی درآمدها

با توجه به مباحث مطرح شده، یکی از مسائل اساسی در بحث درآمد، سالم‌سازی آن است که در اجرای عدالت اقتصادی - اجتماعی نقش ارزنده‌ای دارد. در این جهت هر یک از دولت و مردم وظایفی را بر عهده دارند که باید به نحو مطلوب انجام دهند. حوزه مسئولیت خطیر دولت ایجاب می‌کند که در راستای اصلاح نظام اداری، ارائه خدمات اداری، و نظارت همه جانبه بر تولید و توزیع کالا تلاش نماید و به حقوق مردم توجه ویژه کند و با بهره‌گیری از نویسندگان و پیشوایان فکری و معنوی، مردمان را به سوی حسن روابط بهتر اجتماعی و کسب درآمد حلال فراخواند و فضای جامعه را بر مبنای صحیح شرعی، عقلی و عرفی برای زندگی همه مردم مساعد سازد.

مردم نیز وظیفه دارند از جمع‌آوری مال حرام به شدت بپرهیزند^۶ و زندگی خود را با شیوه‌های نادرست کسب و کار نیالایند^۷ و راه صحیح کسب و درآمد را از طریق تعالیم ارزشمند اسلام فراگیرند و در عمل، احکام نورانی را پیاده کنند تا گرانفروشی‌ها، کم‌فروشی‌ها،^۸

کلاهبرداری‌ها و استثمارگری‌ها،^۹ شغل‌های ناسالم واسطه‌ای، معاملات ربوی،^{۱۰} تقلب در تولید^{۱۱} و... در جامعه ریشه‌کن شود و سرمایه‌های معنوی و ارزشهای راستین در نظام داد و ستد زنده شود. اینجاست که باید با اعتقاد راسخ به لطف و عنایت الهی و پای‌بندی به ارزشها، حسن تأثیر و کارایی دستورها و تعالیم دین را در عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی - اجتماعی و کسب درآمد حلال شاهد باشیم.

۲. مصرف

یکی از راهکارهای مهم تدبیر معیشت، «مصرف» است که از نظر مباحث اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد و شایسته است مدیران در سطوح مختلف و خانوارها نیز به آن توجه خاص نمایند.

«مصرف» به معنای استفاده از منابع موجود به منظور برآوردن نیازها و حوایج فعلی و جاری، و یا به معنای استفاده از کالاهای اقتصادی است.^{۱۲}

شخص مدیر و مدبر، باید برنامه مصرف را با اتخاذ شیوه‌های صحیح به گونه‌ای تنظیم کند که از عهده نیازهای مادی و معنوی برآید و از ناحیه دیگر از مصرف‌گرایی و اسراف و تبذیر اجتناب نماید. توضیحات بیشتر در این جهت را در ذیل می‌آوریم.

ویژگی‌های ساختار مصرف ایده‌آل اسلام

ساختار و الگوی مصرف ایده‌آل اسلام، حاوی نکات آموزنده و تربیتی ارزنده‌ای است که عمل نمودن براساس آن در تدبیر امور معیشت نقش تأثیرگذاری خواهد داشت. در این جا به برخی از ویژگی‌های مهم آن اشاره می‌شود.

الف. خودداری از اسراف:

«اسراف» عبارت است از هرگونه تجاوز از حد در کاری که انسان انجام می‌دهد، ولی غالباً این کلمه در مورد هزینه‌ها و خرجه‌ها کاربرد دارد.^{۱۳}

قرآن کریم اسراف را نقطه مقابل سخت‌گیری و تنگ‌گرفتن می‌داند. آنجا که می‌فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. (قرآن: ۶۷)

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حد

اعتدالی دارند.

مصارف مسرفانه، یکی از مذموم‌ترین اعمال از دیدگاه اسلام است و در آیات و روایات شدیداً محکوم شده است. در آیات قرآن به عنوان یک برنامه فرعونی از آن نام برده شده^{۱۴} و سرانجام اسراف‌کنندگان را دوزخ می‌داند.^{۱۵}

اسراف در مصرف منابع طبیعی، تجاوز به حقوق دیگران و هدر سازی امکاناتی است که به همه انسانها و نسلها تعلق دارد. به فرموده امام علی (ع): «الْمَرْفُ مَفْوَاهٌ»^{۱۶} مصرف بی‌رویه، عامل نابودی است.»

بنابراین اسراف، خروج از حد تعادل بوده که نوعی خروج از حاکمیت عقل، و تن دادن به حاکمیت امیال نفسانی است. و نیز تضييع نعمتهایی است که خداوند متعال برای تأمین معاش مردم آفریده است، که نتیجه این دو دوری از رحمت و رضوان خداوند است.^{۱۷}

در این باره، مرحوم شهید مطهری سخن ارزشمندی دارد. او می‌نویسد:

اسراف و تبذیر و هرگونه استفاده نامشروع از مال ممنوع است؛ نه تنها از آن جهت که نوع عملی که روی آن صورت می‌گیرد حرام است، بلکه از آن جهت که تصرف در ثروت عمومی است، بدون مجوز... چون در عین حال این مال به جامعه تعلق دارد.^{۱۸}

گذشته از اینها، به دلیل محدودیت منابع، معمولاً هر اسراف‌کاری سبب محرومیت برخی دیگر از انسانها خواهد شد. به علاوه روح اسراف معمولاً با خودخواهی و بیگانگی از خلق خدا همراه است. اصولاً از نظر بینش توحیدی مالک اصلی خدا است و انسانها امانت‌دار هستند و هرگونه تصرفی بدون اجازه و رضایت او زشت و ناپسند است. و روشن است که او نه اجازه اسراف می‌دهد و نه اجازه بخل و تنگ چشمی.^{۱۹}

ب. خودداری از تبذیر

«تبذیر» در اصل از ماده «بذر» به معنای افشاندن و پاشیدن بذر [در زمین نامساعد] است که بعد از افشاندن، دیگر قابل جمع‌آوری نیست و حالت نابودی به خود گرفته است.^{۲۰} تبذیر در مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی مصرف کند و معادل آن در فارسی «ریخت و پاش» است.^{۲۱}

تبذیر، پیوسته با یک نوع اتلاف مال همراه می‌باشد؛ زیرا صرف مال، بدون غرض عقلایی همان تضييع و از بین بردن ثروت است.

بنابراین اتلاف و بیهوده صرف کردن مال، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، از نظر اسلام ممنوع و حرام است و هر منبع خدماتی یا ماده تولیدی را در جایی باید به کار گرفت که بیشترین بازدهی را داشته باشد تا از استعدادهای بالقوه آن به طور کامل بهره‌برداری شده باشد.^{۲۲}

در قرآن کریم، تَبذیرکنندگان برادران شیاطین نامیده شده‌اند.^{۲۳} چراکه شیطان همه نیروهایش را در غیر موردش یعنی در طریق اغوا و گمراهی مردم صرف کرد، از این رو تَبذیرکنندگان نیز مانند شیطان نعمت‌های خدادادی را کفران می‌کنند و در غیر مورد صحیح‌اش، صرف می‌نمایند.^{۲۴}

این جمله معروف در زبانها که «اختیار مالم را دارم، می‌خواهم آن را آتش بزنم» از حرف‌های غلط و اشتباه است و اینطور نیست که انسان نسبت به مال خود بدون قید و شرط سلطنت داشته باشد.^{۲۵}

براساس برخی از روایات، تَبذیر همان اسراف است که با اتلاف مال همراه باشد.^{۲۶} لذا صرف مال به صورت نامشروع، برگزاری مجالس لهو و گناه، عیاشی و خوشگذرانی از مصادیق روشن تَبذیر است، و به طور کلی انفاق و خرج کردن چیزی در غیر طاعت خداوند تَبذیر است، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید:

مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَذَّرٌ وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ.^{۲۷}

کسی که در غیر راه اطاعت فرمان خداوند مالی انفاق کند، تَبذیرکننده است و کسی که در راه خدا انفاق کند میانه‌رو است.

با توجه به دایره وسیع تَبذیر و اسراف، شایسته است که انسان عاقل مسلمان در مصرف، نهایت دقت را بنماید تا از گناه و لغزش و عواقب و پیامدهای آن مصون بماند.

قرآن کریم در آیات فراوانی مسرفان و مَبذِرین را شدیداً محکوم نموده و عاقبت اعمال آنها را محرومیت از محبوبیت و دوست داشتن خدا،^{۲۸} داخل شدن در جهنم،^{۲۹} انتظار مجازات الهی،^{۳۰} محرومیت از هدایت الهی،^{۳۱} هلاکت و نابودی انسان^{۳۲} و قلمداد شدن برنامه فرعونی می‌داند.^{۳۳}

ج. نکوهش بخل و سخت‌گیری

سخت‌گیری و بخل (تفریط در مصرف) در هزینه زندگی و محدود کردن مخارج، نقطه مقابل اسراف (افراط در مصرف) است که با فرض توانمندی اقتصادی، مورد نکوهش می‌باشد؛ چرا که هر دو صورت، انحراف از اعتدال و میانه‌روی هستند. در حالی که قرآن کریم خواستار رعایت حد وسط و اعتدال می‌باشد.^{۳۴}

شخص بخیل و سخت‌گیر با اینکه از نظر اقتصادی توانمند است، زیست آبرومندانه ندارد و از مصرف در حد کفایت و متناسب با قدرت و توان خرید، خودداری می‌کند و در ذلت و خست به سر می‌برد تا جایی که امام صادق (ع) می‌فرماید:

فرو بردن دست تا آرنج در دهان مار بزرگ، بهتر است از این که انسان خواسته‌های خود را از کسی بخواهد که، فقیر بوده و ثروتمند شده است (تازه به دوران رسیده).^{۳۵} کنایه از اینکه چنین شخصی نهایت بخل‌ورزی را دارد.

کسی که به این خوی زشت مبتلا باشد، به خود ظلم می‌کند و از اینکه مقداری اندک از ثروت را برای خود هزینه کند خودداری می‌کند، در حالی که همه آن را (پس از مرگ) به وارث می‌بخشد.^{۳۶} چنین شخصی فقیرانه زندگی می‌کند، در حالی که چون ثروتمندان باید حساب پس دهد!^{۳۷}

بخیلان خزانه‌دار وارثان خود،^{۳۸} بدترین مردم،^{۳۹} از بهشت محروم^{۴۰} و جایگاهشان جهنم است.^{۴۱}

د. دوری از تجمل‌گرایی

استفاده و بهره‌مندی معقول از نعمت‌های الهی، با رعایت شرایط و ضوابط آن مانند حلال بودن منبع درآمد، ادای حقوق دیگران و عدم اسراف و تبذیر، از نظر اسلام مجاز و مطلوب است.

خداوند متعال در قرآن کریم، نعمت‌های خویش را برمی‌شمارد و انسانها را به استفاده از آنها تشویق می‌کند تا به این وسیله انسان به نعمت دهنده توجه داشته باشد.^{۴۲}

آشکار کردن نعمت و نشان دادن الطاف خداوند به افراد، در روایات مورد تأکید قرار گرفته است و در مقابل، پنهان نگه داشتن نعمت و فقیر و بیچاره نشان دادن ظاهر خویش نکوهش شده است، یعنی اگر خداوند نعمتی را به فردی عطا کرد که باعث تحول در زندگی او شد، باید این تحول و دگرگونی آشکار گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالْتَّجَمُّلَ وَيُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالْتَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا.^{۴۳}

همانا خداوند، زیبایی و آرایش را دوست می‌دارد و فقر و فقیر نمایی را مبغوض می‌دارد، و همانا هنگامی که بر بنده‌اش نعمتی دهد دوست می‌دارد که اثر آن را بر او ببیند.

اسلام در عین حال که به رفاه در زندگی توصیه می‌کند، به سبب برخی مصالح از تجمل‌پرستی، افراط در زیبا سازی، هدف قرار گرفتن رفاه و رفاه زدگی، خوش‌گذرانی و عیاشی بی حد و مرز پرهیز می‌دهد؛ چراکه تجمل‌گرایی پیامدهای نامطلوب و زیانبار فردی و اجتماعی به دنبال دارد که برخی از آنها عبارتند از: غفلت از یاد خدا، پیدایش روحیه استکباری، بی‌اعتنایی به محرومین، اسراف و تبذیر، فساد اخلاقی و....

ه. رعایت اعتدال و میانه روی

حد مطلوب و معقول بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، رعایت میانه‌روی و اعتدال است. مصرف معتدل؛ یعنی مصرف به دور از اسراف و اقتار، که مصرف در آن متنوع و درعین حال پاسخگوی انواع نیازها و سودمند به حال انسان و سبب قوام بخشی زندگی خواهد شد. از امام صادق (ع) سؤال شد که روش میانگین (در مصرف) چیست؟ حضرت فرمودند: این که انسان نان، گوشت، شیر، سرکه و روغن مصرف کند و هر دفعه یکی از آنها، گاهی نان و گاهی گوشت...^{۴۴}

نکته قابل توجه این که تصرفات در اموال شخصی نیز با محدودیت‌هایی روبرو است. یعنی اموالی که طبق اصل مالکیت فردی به شخص تعلق دارد و اختیار آنها در دست اوست، مجاز نیست هرگونه که خواست تصرف کند، بلکه محدود و مشروط به تصرف در حد میانه و متعادل و دور از اسراف و تبذیر می‌باشد.

البته مصرف به همراه اعتدال، آثار و برکات فراوانی چون رشد و بالندگی اقتصادی جامعه، آسایش و رفاه همگانی، افزایش توانمندی‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها و بقای نعمت را به دنبال دارد. چنانکه امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «الْقَصْدُ مَثْرَةٌ»^{۴۵} میانه‌روی ثروت‌زا است. و نیز فرمود: «الْاِقْتِصَادُ يُنْبِئُ الْقَلِيلَ»^{۴۶} میانه‌روی، اندک را افزون می‌سازد. امام کاظم (ع) نیز می‌فرماید:

مَنْ اِقْتَصَدَ وَاتَّقَعَ بَيِّتَ عَلَيْهِ التَّعَمُّةُ وَ مَنْ بَدَّرَ وَ اَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ التَّعَمُّةُ.^{۴۷}

کسی که قناعت و میانه‌روی را در زندگی رعایت کند، نعمت برایش ماندگار خواهد شد و کسی که تبذیر و اسراف نماید، نعمت از او گرفته خواهد شد.

و. قناعت‌ورزی

در ادبیات عرب «قناعت» را به معنای راضی شدن به مقدار اندکی از عطا و بخشش^{۴۸} و رضایت دادن به سهم خویش، به کار می‌برند.^{۴۹}

در مباحث اخلاق اسلامی، «قناعت» در مقابل «حرص» آمده است و آن عبارت است از ملکه‌ای نفسانی که به موجب آن، انسان به اندازه‌ی نیاز خود از اموال رضایت می‌دهد و خود را در مشقت و تلاش برای تحصیل مقدار بیشتر از آن نمی‌اندازد.^{۵۰}

قناعت آثاری ارزشمند چون؛ توانگری و بی‌نیازی،^{۵۱} خویشتن‌داری و آسوده شدن از زحمت فزون خواهی و بندگی در برابر دنیاپرستان^{۵۲} را به دنبال دارد.

راه دستیابی به قناعت‌پیشگی، همان سخن ارزشمند امام صادق (ع) است که می‌فرماید:

به ناتوان‌تر از خودت بنگر و به توانگرتر از خویش منگر؛ زیرا که این کار، تو را به آنچه قسمت تو شده است قانع می‌سازد.^{۵۳}

آدمی چاره‌ای جز قناعت‌ورزی ندارد، و در غیر این صورت همواره در آتش حرص خواهد سوخت. مردی به امام صادق (ع) شکوه کرد که طلب روزی می‌کند و به دست می‌آورد، اما قانع نمی‌شود و بیشتر از آن می‌طلبد و عرض کرد: مرا چیزی بیاموزید که مشکلم را حل کند. حضرت فرمود:

اگر آن اندازه که کفایت می‌کند تو را بی‌نیاز سازد، کمترین چیز دنیا بی‌نیازت می‌سازد و اگر آنچه تو را بس است بی‌نیازت نسازد، همه دنیا هم تو را بی‌نیاز نمی‌گرداند.^{۵۴ ۵۵}

ز. انفاقات و توجه به فقرا

هر فرد مسلمان، تمام جوانب فردی و اجتماعی زندگی خود را براساس بینش و تعالیم ارزشمند اسلام تنظیم می‌کند. انسان مؤمن ضمن بهره‌مندی از نعمت‌ها و امکانات، براساس تکلیف اسلامی خود، حقوق واجب مالی از قبیل خمس و زکات را اداء نموده، تا در جهت کاهش فقر و محرومیت افراد جامعه گام بردارد.

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

همانا خداوند در اموال ثروتمندان، به قدری که فقرای آنها را تأمین نماید، واجب کرده است. پس، از بین رفتن فقرا یا به مشقت افتادن یا برهنه ماندن آنها، به سبب دریغ اغنیاء از پرداخت حق فقراست. از همین رو خداوند برای این کارشان، در روز قیامت از آنان به سختی حساب می‌کشد و آنها را به عذاب دردناک گرفتار می‌سازد.^{۵۶}

با توجه به ویژگی‌های مطرح شده در مورد ساختار مصرف ایده‌آل اسلام به معیار اساسی مصرف در اسلام پی می‌بریم که در بردارنده دو نکته اساسی است: رعایت ارزشها در مصرف و مصرف براساس مصالح نظام اسلامی.

رعایت ارزشها در مصرف: ارزشها عبارتند از عقاید، باورها، رفتارها و اخلاق که التزام یا عمل به آنها از نظر قرآن و روایات مطلوب است.

روشن است که ارزشها منحصر به انجام واجبات یا ترک محرّمات نیست، بلکه آنچه را که آیات و روایات مطلوب می‌دانند، در برمی‌گیرد؛ یعنی مستحباتی را که در روایات در مورد بعضی از اعمال مطرح است، شامل می‌شود، گرچه انجام آنها الزام‌آور نیست، ولی نوعی ارزش است. و همینطور ارزشهای حقوقی، اجتماعی، رفتاری و... را شامل می‌شود.

آیاتی از قرآن کریم، معیار تصرف در نعمت‌های الهی را همراه با رعایت اموری مانند: تقوا،^{۵۷} عمل صالح،^{۵۸} شکر،^{۵۹} عدم سرکشی،^{۶۰} ادای حقوق و ترک اسراف،^{۶۱} ترک گناه و پیروی نکردن از شیاطین^{۶۲} دانسته است.

این آیات با واژه «کلوا» به تصرف در نعمت‌های خداوند متعال فرمان می‌دهد، و مراد از آن مطلق تصرف است، ولی خوردن و مصرف کردن از مصادیق بارز آن است.

گفتنی است اینکه رعایت امور مذکور در تصرف شرط شده است، مقصود این نیست که تصرف بدون این شروط حرام باشد. برای مثال، وقتی آیه شریفه می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ»؛^{۶۳} (از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را به جا آورید). گرچه تصرف در نعمت‌های الهی بدون شکر نعمت از نظر فقهی حرام نیست، ولی رضایت الهی در مصرف همراه با شکر است.

مصرف براساس مصالح نظام اسلامی: گاهی، مصالح سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی اقتضا می‌کند که مصرف برخی از کالاهایی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شود، تحریم شود. مثلاً در صورتی که روابط سیاسی - اقتصادی این نوع کشورها، موجب تسلط دشمنان اسلام یا زمینه‌ساز اسارت سیاسی یا اقتصادی، یا توهین و تحقیر و تضعیف مسلمانان شود، بر همه مسلمانان واجب است که از استقلال و موجودیت سیاسی - اقتصادی خود دفاع نمایند. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرماید:

اگر بر قلمرو اسلام، از استیلای سیاسی و اقتصادی منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی و سستی اسلام و مسلمین و ضعف آنان (از ناحیه کفار و اجانب) خوفی باشد، دفاع با وسایل مشابه آنان و مقاومت‌های منفی، مانند نخریدن کالاهای آنان و مصرف نکردن آنها و ترک رفت و آمد و معامله با ایشان به طور کلی واجب است.^{۶۴}

در چنین شرایطی، ولی امر مسلمین، مصرف و تجارت این نوع کالاها را تحریم می‌کند و بر جامعه اسلامی نیز واجب است که این تحریم را به اجرا درآورد؛ همچون تحریم مصرف تنباکو به فتوای میرزای شیرازی بزرگ در زمان ناصرالدین شاه قاجار.

پس انداز

اثرگذاری پس انداز در قالب یکی از راهکارهای مهم در تدبیر امور معیشت، بر اداره و رشد یک سازمان یا خانواده بر کسی پوشیده نیست. با مطالعه و دقت در مورد نظام‌ها، مجموعه‌ها و خانواده‌های موفق و سربلند، جایگاه و نقش پس انداز بیشتر روشن می‌شود.

یکی از عواملی که سبب می‌شود در یک مجموعه یا خانواده پس‌انداز صورت گیرد، هماهنگی بین اعضای آنهاست. یعنی اگر اعضای یک مجموعه یا خانواده براساس تدابیر مدیر مدبّر هماهنگ شوند، پس‌انداز محقق خواهد شد وگرنه در صورت ناهماهنگی و یا تک‌روی و خودسری اعضا نه تنها پس‌اندازی صورت نمی‌گیرد، بلکه در اداره آن سازمان یا خانواده مشکل اساسی رخ می‌دهد. از این رو، اگر مدیر و سرپرست مثلاً راه قناعت را در پیش گیرند، ولی افراد زیرمجموعه‌اش راه اسراف و تبذیر و ریخت و پاش را، قطعاً پس‌اندازی محقق نخواهد شد.

در صورت تحقق پس‌انداز و هدایت آن به سوی فعالیت‌های تولیدی، زمینه رشد و توسعه اقتصادی فراهم شده، و باعث ایجاد اشتغال، جلوگیری از اسراف در مصرف، افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی افراد و کاهش مصرف‌گرایی خواهد شد.

پس‌انداز در نهاد خانواده باعث آرامش زن و فرزندان می‌گردد و هرگونه نگرانی و تشویش خاطر از آینده را از کانون خانواده می‌زداید. سرپرست چنین خانواده‌ای در جامعه سرفراز است و بدون چشمداشت به دیگران، مستقل و با شخصیت زندگی می‌کند و به زیر پانهادن اصول اخلاقی و احکام دینی روی نمی‌آورد.

نکته قابل توجه اینکه، پس‌انداز همیشه به معنای ذخیره کردن اموال در دنیا و امور مادی نیست، بلکه آنچه در روایات مورد تأکید قرار گرفته، پس‌انداز در امور معنوی است که آثار و برکات آن چه بسا از پس‌انداز مادی بیشتر و ماندگارتر است. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید:

سِتُّ خِصَالٍ يَتَّبِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَلَدُّ صَالِحٍ يَسْتَفْرِزُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يَقْرَأُ فِيهِ وَ قَلْبٌ يَحْفَرُهُ وَ عَرَسٌ يَغْرِسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يَجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ. ۶۵

مؤمن از شش چیز، بعد از مرگ خود بهره خواهد برد: فرزند صالحی که برای پدر و مادر خود استغفار کند، قرآنی که خوانده شود، چاه آبی که حفر کند [و پس از او از آن بهره‌برداری شود]، درختی که بکارد [و از میوه آن استفاده نمایند] و چشمه آبی که بر مردم وقف کند، و سنت نیکی که بنیان نهاده و بعد از مرگش دنبال شود.

حضرت امیر (ع) با دست مبارک خویش قنات‌ها و چاه‌های بسیاری مانند قنات «ابی نیزر»، «بغیبه» و چاه «ینبع» را حفر نمود و در راه خدا وقف کرد که آثار برخی هنوز تحت عنوان «آبار علی (ع)» باقی است. ۶۶

با توجه به اهدافی که در مورد امر پس‌انداز مطرح است به دو صورت ممدوح و مذموم مطرح می‌شود. اگر به هدف منطقی و عقلایی در جهت حفظ عزت نفس و آبروی مؤمن نزد دیگران، پیشگیری از ابتلای به فقر، توسعه بر اهل و عیال، انجام واجبات و امور خیر از قبیل

وقف، انفاق، راه‌سازی، آب رسانی، احداث پل، مدرسه، بیمارستان و... باشد، پس انداز پسندیده و ممدوح خواهد بود که شایسته است مؤمن درصدد جمع‌آوری مال برای این امور باشد و قرآن کریم و روایات اسلامی بر این امر تأکید دارند.^{۶۷}

اما اگر هدف از پس‌انداز و جمع‌آوری اموال، ثروت‌اندوزی، احتکار و عدم پرداخت حقوق واجب مالی باشد پس‌انداز مذموم خواهد بود؛ چراکه این امر سبب می‌شود که سرمایه‌ها در راه‌های مورد رضایت الهی به جریان نیفتد و هرگاه دین خدا و بندگان اوبه او نیازمند شدند، به آن دسترسی نداشته باشند. قرآن کریم و روایات اسلامی با لحن شدید آن را مورد خشم و غضب الهی معرفی کرده و وعده عذاب دردناک را بر آن داده است.^{۶۸}

پی‌نوشتها:

۱. فرهنگ اقتصادی، سیاوش مریدی و علیرضا نوروزی، ص ۳۴۳، انتشارات نگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۳۲۴-۳۲۷، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۳. ر.ک: تحف العقول عن الرسول (ص)، ابو محمد شعبة الحرانی، ص ۲۴۵-۲۴۶، الشریف الرضی، قم، بی‌تا؛ الحیة، محمدرضا، محمد و علی‌رضا حکیمی، ج ۶، ص ۱۸۲، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۴. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (ع)، محمد حکیمی، ص ۵۵، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش؛ و در این رابطه ر.ک: عیون اخبار الرضا (ع)، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۲۵، اعلمی، تهران، بی‌تا.
۵. عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۷۳-۷۴.
۶. نساء (۴)، آیه ۲۹.
۷. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، ج ۶، ابواب الصدقه، باب ۴۶، ص ۳۲۶، حدیث ۶، اسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۰۳ ق.
۸. هود (۱۱)، آیه ۸۵؛ مطففین (۸۳)، آیه ۱.
۹. هود (۱۱)، آیه ۸۵.
۱۰. بقره (۲)، آیه ۲۷۵.
۱۱. الحیة، ج ۵، ص ۳۸۰، حدیث ۲۶.
۱۲. بر لبه پرتگاه مصرف‌گرایی، حمیدرضا ملک‌محمدی، ص ۲۰، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ماده «سرف»، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.
۱۴. یونس (۱۰)، آیه ۸۳.
۱۵. غافر (۴۰)، آیه ۴۳.
۱۶. میزان الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، ج ۴، ص ۴۴۵، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. اقتباس از: نظام اقتصادی اسلام، سید حسین میرمعزی، ج ۲، ص ۱۰۲، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. نظری به نظام اقتصادی اسلام، مرتضی مطهری، ص ۵۴-۵۵، صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۱۹. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۵۴.
۲۰. المفردات فی غریب القرآن، ماده «بذر».
۲۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۶.
۲۲. مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۲۹۲.
۲۳. اسراء (۱۷)، آیه ۲۷.
۲۴. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۸.
۲۵. ر.ک: کلیات اقتصاد اسلامی (مجموعه مقالات فارسی)، نظارت محمد واعظزاده خراسانی، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
۲۶. مضمون روایتی از امام علی (ع) در بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۹۷، حدیث ۲.
۲۷. تفسیر صافی، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۲، ص ۹۶۶، مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۳۶ ش.
۲۸. انعام (۶)، آیه ۱۴۱؛ اعراف (۷)، آیه ۳۱.
۲۹. «مبذَرین» برادران شیطان لقب یافتند، از این جهت که در جهنم قرین و همشین شیطان می‌باشند، همانگونه که در سوره زخرف آیه ۳۹ بعد از آنکه قرین بودن شیطان را با انسان‌های آلوده به طور کلی بیان می‌کند، می‌فرماید: «وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ أَلْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُم فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ؛ امروز برائت و تقاضای جدایی از شیطان به حال شما سودمند نیست؛ چراکه همگی در عذاب مشترکید. با این توضیح عاقبت تبه‌دیرکنندگان نیز آتش جهنم است.
- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۸.
۳۰. ذاریات (۵۱)، آیه ۳۲.
۳۱. غافر (۴۰)، آیه ۴۳.
۳۲. انبیاء (۲۱)، آیه ۹.
۳۳. یونس (۱۰)، آیه ۸۳.
۳۴. فرقان (۲۵)، آیه ۶۷.
۳۵. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۴۴.
۳۶. الحیة، ج ۶، ص ۶۴.
۳۷. همان، ص ۵۸-۵۹.
۳۸. همان، ص ۵۷.
۳۹. همان، ص ۵۹.
۴۰. همان، ص ۶۰.
۴۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۱۹.
۴۲. سبأ (۳۴)، آیه ۱۵، ضحی (۹۳)، آیه ۱۱.
۴۳. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۱، حدیث ۹.
۴۴. الحیة، ج ۶، ص ۱۲۸.
۴۵. همان، ج ۴، ص ۲۲۵.
۴۶. همان، ص ۲۵۶.
۴۷. همان، ص ۲۳۵.
۴۸. النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ابن الأثیر، ج ۴، ص ۱۱۴، مکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
۴۹. لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۲۹۸، بیروت، بی‌تا.
۵۰. جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، ج ۲، ص ۱۰۱، اسماعیلیان، بی‌تا.



۵۱. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، حدیث ۹۱؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص ۲۳۰، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۷۹ ق.

۵۲. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۹، حدیث ۶.

۵۳. الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۸، ص ۲۴۴، حدیث ۳۳۸، دارالتعارف، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۵۴. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۱۳۹، حدیث ۱۰، دار صعب، چاپ چهارم، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۵۵. روشن است که قناعت در مصرف است و گرنه در تولید قناعت وجود ندارد. شخصی که خدمت امام عرض کرد به اندازه‌های که تا آخر عمر مرا کفایت کند مال دارم، لذا می‌خواهم کار و تجارت را کنار بگذارم، امام نهی فرمودند.

۵۶. الحیة، ج ۳، ص ۳۰۹.

۵۷. مانده (۵)، آیه ۸۸.

۵۸. مؤمنون (۲۳)، آیه ۵۱.

۵۹. بقره (۲)، آیه ۱۷۲.

۶۰. طه (۲۰) آیه ۸۱.

۶۱. انعام (۶)، آیه ۱۴۱؛ اعراف (۷)، آیه ۳۱.

۶۲. بقره (۲)، آیه ۱۶۸؛ انعام (۶)، آیه ۱۴۲.

۶۳. بقره (۲)، آیه ۱۷۲.

۶۴. تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، ج ۱، فصل فی الدفاع، ص ۴۸۵، مسئله ۴، دارالتعارف، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۶۵. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۶۴.

۶۶. ر.ک: وسایل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۰۳-۳۰۷.

۶۷. ر.ک: یوسف (۱۲)، آیات ۴۶-۴۹؛ معانی الأخبار، ص ۱۵۳؛ الحیة، ج ۵، ص ۴۴؛ الوافی، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۳، (م ۱۰)، ص ۱۸ و ۱۹، المکتبه الاسلامیه، تهران، بی‌تا.

۶۸. ر.ک: توبه (۹)، آیه ۳۴؛ نساء (۴)، آیه ۳۷؛ الحیة، ج ۴، ص ۴۰۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی